فصلنامه علمی ـ پژوهشی اندیشه نوین دینی
سال ۸، پائیز ۱۳۹۱، ش ۳۰
صفحات ۵۰ ـ ۳۷

ANDISHE-E-NOVIN-E-DINI
A Quarterly Research Journal
Vol. 8, Autumn 2012, No. 30

فرشته‌شناسی در اندیشه ملاصدرا

رضا اکبری*
محمدهادی محمودی**

چکیده

ملاصدرا در برخی از کتاب‌های خود ازجمله ***مفاتیح الغیب*** و ***مبدأ و معاد*** مباحث مستوفایی درباره فرشتگان با رویکرد دینی دارد. وی حقیقت فرشته را جوهری روحانی می‌داند که مخلوق خداست و شأن آن افاضه خیر، افاده علم، کشف حقیقت و امر به معروف است. او برای فرشتگان ویژگی‌هایی همچون رسول بودن، قرب الی‌الله، اطاعت از دستورات الهی، قدرت فراوان، ترس از خداوند، تسبیح دائمی، عدم جنسیت و به‌دنبال آن عدم ازدواج و نیز عصمت ذکر می‌کند و در مورد پاره‌ای از ویژگی‌های آنان مانند عصمت دلایلی نیز اقامه می‌کند. در موارد فراوانی، گونه‌ای تلاش برای تطبیق فرشتگان با عقول و نفوس فلکی دیده می‌شود که به‌معنای همخوانی میان مجردشناسی فلسفی و فرشته‌شناسی دینی از دیدگاه ملاصدرا می‌باشد.

واژگان کلیدی

ملاصدرا، فرشته، عصمت، تجرد، مفاتیح‌الغیب، مبدأ و معاد.

طرح مسئله

ضرورت فرشته‌شناسی به‌ویژه در دوره معاصر و برای ورود به عرصه مباحث تطبیقی با الهیات مسیحی امری روشن است.[1] در این حیطه، بازخوانی اندیشه یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین فیلسوفان مسلمان، یعنی

*. دانشیار دانشگاه امام صادق(ع). r.akbari@isu.ac.ir
**. کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه امام صادق(ع). m.h.mahmoody@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/۲۰

۱. برخی از منابع درباره فرشته‌شناسی در سنت الهیات مسیحی عبارتند از:
Keck (1998); Jung (2003); Lane (1996); Graham (1995).

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.3.9]

ملاصدرا که توضیحات فراوانی در این مسئله ارائه کرده، جایگاه ویژه‌ای دارد. محقق تلاش‌گر در مقام یافتن دیدگاه‌های ملاصدرا درباره فرشتگان، بیش از آثاری همچون ***اسفار*** باید به کتاب‌هایی مانند ***مفاتیح‌الغیب*** و ***مبدأ و معاد*** توجه نماید. آنچه وی درباره فرشتگان آورده، با رویکردی دینی ارائه شده و بیش از آنکه به ادله عقلی تمسک کند، آیات قرآنی را وجهه خود قرار داده است. در فرایند فرشته‌شناسی ملاصدرا، مباحثی همچون حقیقت فرشتگان، ویژگی‌های فرشتگان ازجمله قدرت، عصمت، تجرد و قرب الی‌الله، اقسام و تعداد فرشتگان را شاهدیم. در ضمن نوعی تلاش برای تطبیق موجودشناسی فلسفی مجردات بر فرشتگان نیز در اظهارات ملاصدرا دیده می‌شود. این مقاله تلاش دارد تا با مراجعه به کتاب‌های پیش‌گفته و دیگر آثار ملاصدرا و با روش توصیفی ـ تحلیلی و در مواردی نیز مقایسه‌ای، اندیشه‌های ملاصدرا درباره فرشتگان را بازخوانی کند.

الف) حقیقت فرشته

برای دستیابی به نظر ملاصدرا درباره حقیقت فرشتگان لازم است به‌سراغ مشهد اول و دوم از مفتاح چهارم کتاب ***مفاتیح‌الغیب*** برویم. وی در آنجا به‌اقتضای توضیح علم و انواع آن به تحلیل مکاشفه می‌پردازد. او پس از تقسیم مکاشفه به صوری و معنوی یا مکاشفه ازطریق حواس و مکاشفه بدون واسطه‌گری حواس (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۱۴۹) ماهیت دوگانه آدمی را توضیح داده، انسان را دارای دو وجه مُلکی و مَلَکوتی معرفی می‌کند. آدمی رویی به‌سوی مَلَک دارد که خیر مجرد است و رویی به‌سوی شیطان دارد که شر محض است و هم‌زمان با شیطان و فرشته مناسبت دارد. (همان: ۱۵۲) نفس دائماً ازطریق حواس ظاهری یا حواس باطنی که اصل و حقیقت حواس ظاهری هستند، دریافت‌ها و ادراکاتی دارد که ملایم یا منافر با یکی از دو وجه ملکی و ملکوتی او هستند.

قلب آدمی همیشه در حال انفعال ازجانب اسباب است که «حاضرترین این اسباب خواطر است». (همان: ۱۵۴) خاطر انفعالی است که در قلب ایجاد می‌شود و علت این نام‌گذاری آن است که قلب دارای آن نبوده، سپس دارای آن شده است یا اکنون متذکر آن نیست و سپس متذکر می‌شود. خواطر در آدمی میل و رغبت ایجاد می‌کنند که آن هم مبدأ عزم و نیت می‌شود و نیت نیز محرک اعضا برای انجام افعال خیر یا شر خواهد شد. فعل خیر فعلی است که در آخرت نافع است و فعل شر آنکه در آخرت زیان‌بار است. بنابراین خواطری که داعی افعال شر هستند، مذموم‌اند و وسوسه خوانده می‌شوند و خواطری که داعی افعال خیر هستند، محمودند و الهام خوانده می‌شوند.

پرسش این است که منشأ اختلاف میان الهام و وسوسه چیست؟ خواطر حادث‌اند و هر حادثی نیازمند اسباب است. اگر اختلاف دو امر حادث در عوارض و خارجیات باشد، منشأ اختلاف در استعداد و قابلیتِ دو

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.3.9]

حادث است؛ اما اگر اختلاف آن دو، حقیقی و نوعی باشد، باید منشأ اختلاف را در ناهمگونی میان علل فاعلی دانست. ازآنجاکه میان نور و ظلمت اختلاف حقیقی است، تمایز میان الهام و وسوسه نیز نوعی و در حقیقتِ این دو است. بنابراین باید میان منشأ این دو اختلافی حقیقی باشد. سبب داعی به خیر فرشته است و سبب داعی به شر، شیطان.[۱] (همان: ۱۵۴)[۲] بر این اساس، ملاصدرا تعریفی از فرشته ارائه می‌دهد:

> فرشته جوهری روحانی و نورانی است که خداوند او را آفریده و شأن او افاضه خیر، افاده علم، کشف حقیقت و امر به معروف است که خداوند او را برای این کارها مسخّر گردانده است. (همان: ۱۵۵ ـ ۱۵۴)[۳]

توجه به این تعریف نشان می‌دهد که صدرا در تعریف فرشته، جدای از جوهر دانستن او که بیان‌کننده ذات فرشته است، به ارتباط او با خداوند و انسان نیز توجه کرده است. در مقام ارتباط با خداوند، فرشته مخلوق خداست و شأن استقلالی ندارد. در مقام ارتباط با انسان نیز او به سه دسته ویژگی که می‌توان آنها را وجودشناختی، معرفت‌شناختی و رفتاری نامید، اشاره می‌کند. ویژگی وجودشناختی فرشته، افاضه خیر به انسان است. خیر امری ملایم با طبع هر قوه از قوای انسان است و ازطریق این افاضه است که انسان در مسیر اشتداد وجودیِ لایق خود قرار می‌گیرد. افاده علم و کشف حقیقت، دو مقام معرفتی علم‌الیقین و عین‌الیقین است که فرشته برای انسان به‌ارمغان می‌آورد. امر به معروف نیز نشان از یک ویژگی رفتاری در مقام رابطه فرشته با انسان دارد. همان‌گونه که انسان برای اشتداد وجودیِ لایق خود نیازمند علم است، به رفتارهای صحیح نیز محتاج است و فرشته در مقام کشف این رفتارها مددکار انسان است.[۴]

ملاصدرا همچنین به ذکر دیدگاه‌های مختلف درباره حقیقت فرشتگان می‌پردازد. هرچند او به‌صراحت

---

۱. برای توضیحات سودمند درباره خواطر رحمانی و شیطانی و به عبارتی، الهام و وسوسه بنگرید به: اکبری و رضائیان، ۱۳۹۰: ۴۷ ـ ۶۴ .

۲. ملاصدرا با استفاده از «تمثیل حرارت آتش» بیان می‌کند که کثرت و استمرار احوال نفس سبب می‌شود تا نفسِ بالقوه در مسیر فعلیت‌یابی با صورت‌های جوهری اخروی متحد شده، در زمره ملائکه و یا در حزب شیطان قرار گیرد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۱۵۳) حرارت صفتی جسمانی و ذاتی آتش است و آتش صورت نوعی حرارت است. حرارت در اجسام دیگر تنها به‌واسطه آتش ایجاد خواهد شد. اثری که آتش در یک جسم ایجاد می‌کند، با جدایی آن جسم از آتش از بین نمی‌رود؛ بلکه پس از جدایی تا مدتی باقی می‌ماند. اگر این مدت کوتاه باشد، به این اثر که سریع‌الزوال است، «حال» می‌گویند؛ اما اگر ارتباط آتش با جسمی زیاد باشد و تکرار شود، حالت مذکور در جسم تثبیت می‌شود و جسم به صاحب آن اثر یعنی آتش شبیه می‌شود. برای نمونه، اگر آهنی همیشه در مجاورت آتش باشد، گداخته می‌شود و مانند آتش، منبع نور و حرارت می‌شود. این حالات تثبیت‌شده را «مَلَکه» می‌نامند.

۳. ملاصدرا در ادامه، شیطان را نیز این‌گونه تعریف کرده است: «و الشیطان جوهر روحاني ظلماني شأنه الوعد بالشر و الأمر بالمنکر و التخویف عند الهمّ بالخیر، بالفقر و نحوه.» (همان: ۱۵۵)

۴. در نظام فکری ملاصدرا، جداسازی مقام معرفت و رفتار از یکدیگر و نیز از وجود، بیش از آنکه یک تقسیم‌بندی واقعی باشد، یک تقسیم‌بندی تعلیمی است.

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.3.9]

درباره دیدگاه‌ها ـ جز چند مورد ـ اظهارنظر نمی‌کند، با توجه به آنچه در ادامه مقاله می‌آید، معلوم می‌شود خود او به دیدگاه فلاسفه تمایل دارد. (بنگرید به: همان: ۳۴۳ ـ ۳۴۱؛ خزعلی، ۱۳۸۷: ۱۱۷)

تمایل ملاصدرا به نظریه فلاسفه درباره حقیقت فرشتگان نشان می‌دهد با نوعی تطبیق موجودشناسی فلسفی مجردات با مبحث دینی فرشتگان مواجه‌ایم. در ادامه مقاله، این ادعا در بخشی مستقل واکاوی خواهد شد.[۱]

ب) ویژگی‌های فرشتگان

ملاصدرا در فصلی مستقل از کتاب ***مفاتیح الغیب*** به ویژگی‌های فرشتگان پرداخته است: (همان: ۳۵۱)[۲]

۱. رسول بودن برخی از فرشتگان: ملاصدرا با مقایسه آیاتی از سوره فاطر[۳] و حج[۴] که در یکی خداوند ملائکه را فرستاده خود معرفی کرده است و در دیگری از میان فرشتگان برخی را به‌عنوان فرستاده انتخاب می‌کند، نتیجه می‌گیرد برخی از فرشتگان فرستادگان خداوند هستند.

---

۱. گاهی ملاصدرا اصطلاح فرشته را به‌صورت کنایتی از قوای انسانی، حیوانی و نباتی که در طبیعت وجود دارند، استفاده می‌کند. (بنگرید به: صدرالدین شیرازی، ۱۳۰۲: ۳۳۶)

۲ نیاز به توضیح نیست که مطالب پیش‌گفته نیز به‌نوعی بیان ویژگی‌های فرشتگان است؛ اما ازآنجاکه ملاصدرا خود با به‌کارگیری اصطلاح ویژگی فرشتگان، نکاتی را متذکر شده است، ما نیز در اینجا به روش او عمل کرده‌ایم.

۳. الحَمْدُ لِلَّهِ فاطِرِ السَّماواتِ وَ الأَرْضِ جاعِلِ الملائِكَةِ رُسُلاً أُولي أَجْنِحَةٍ مَثْنى وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ ... . (فاطر / ۲ ـ ۱)

۴. اللَّهُ يَصْطَفي مِنَ الملائِكَةِ رُسُلاً وَ مِنَ النَّاس ... . (حج / ۷۵)

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.3.9]

۲. نزدیکی به خداوند: او با استشهاد به دو آیه از سوره انبیاء[۱] نزدیک بودن فرشتگان بـه خداونـد را نتیجـه می‌گیرد. او در ادامه با توجه دادن به اینکه نزدیکی مذکور ازجهـت مکـانی نیسـت، آن را از حیـث شـرافت و منزلت می‌داند.

۳. اطاعت فرشتگان از خداوند: ملاصدرا از سه جهت، مطیع بودن فرشـتگان نسـبت بـه خداونـد را نتیجـه می‌گیرد. نخست آنکه، صدق سخنان خداوند درباره مطالبی که به نقل از فرشتگان در قرآن ذکر شده، نشانگر تسبیح آنان نسبت به خداوند است که بر اطاعت آنان از دستورهای الهی دلالت دارد. وی در این مورد به آیاتی از سوره بقره[۲] و صافات[۳] استشهاد می‌کند. دوم اینکه، آیات قران نشان می‌دهـد آنـان فرمـان الهـی را از روی تعظیم خداوند امتثال می‌کنند. او آیه‌ای از سوره حجر[۴] را بیان می‌کند که همه فرشتگان بر انسان سجده کردند. سوم اینکه، برخی از آیات قرآن تصریح دارند که فرشتگان هیچ کاری انجام نمی‌دهند، مگر براسـاس وحـی و فرمان الهی. ملاصدرا به آیه‌ای از سوره انبیاء[۵] استشهاد می‌کند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۳۵۲ ـ ۳۵۱)

وی برای روشن کردن نحوه اطاعت فرشتگان از خداوند تمثیلی ارائه می‌کند؛ رابطه فرشتگان بـا خداونـد، مانند رابطه حواس با نفس ناطقه است. کافی است نفس بخواهد امری محسوس را درک کند کـه بـه‌محـض اراده، حواس بدون نیاز به هیچ فرمانی، امر مورد نیاز را در نفس پدیـد مـی‌آورنـد. (بنگریـد بـه: همـو، ۱۳۶۰: ۱۵۲ ـ ۱۵۱، ۳۵۲؛ ۱۹۸۱: ۸ / ۱۳۹؛ ۱۳۵۴: ۱۹۷)

٤. قدرت فراوان فرشتگان: او برای نشان دادن قدرت فراوان فرشتگان به آیات فراوانـی تمسـک مـی‌کنـد. عرش و کرسی را فقط هشت فرشته حمل می‌کنند؛[۶] درحالی‌که کرسی به‌تنهایی از تمام آسمان‌های هفت‌گانه بزرگ‌تر است و درعین‌حال همین کرسی از عرش کوچک‌تر است. همچنین فرشتگان به‌دلیـل قـدرت فـراوان خود می‌توانند از عرش که پنجاه هزار سال با زمین فاصله دارد، در لحظه‌ای فرود آیند. عظمت قدرت صـاحب صور (اسرافیل) به‌حدی است که با یک دمیدن او در صور همه بی‌هوش می‌شوند ـ جز آنکه خداوند بخواهد ـ و با نفخ بعدی او همه زنده می‌شوند.[۷] عظمت قدرت جبرئیل نیز به حـدی اسـت کـه کـوه‌هـای قـوم لـوط و شهرهای آنها را از جا کند. (همو، ۱۳۶۳: ۳۵۲)

---

۱. وَ لَهُ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ الأَرْضِ وَ مَنْ عِنْدَهُ لا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِهِ وَ لا يَسْتَحْسِرُونَ. (انبیاء / ۱۹) «... بَلْ عِبادٌ مُكْرَمُونَ». (انبیاء / ۲۶)

۲. نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ. (بقره / ۳۰)

۳. وَ إِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ وَ إِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ. (صافات / ۱۶۶ ـ ۱۶۵)

۴. فَسَجَدَ الملائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ. (حجر / ۳۰)

۵. لا يَسْبِقُونَهُ بِالقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ. (انبیاء / ۲۶)

۶. ... و يَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمانِيَةٌ. (الحاقه / ۱۷)

۷. وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ مَنْ فِي الأَرْضِ إِلاَّ مَنْ شاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرى فَإِذا هُمْ قِيامٌ يَنْظُرُونَ. (الزمر / ۶۸)

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.3.9]

۵. خوف فرشتگان از خداوند: دلیل ملاصدرا بر خوف فرشتگان نیز آیات قرآن است. آیاتی از سوره نحل[۱] و انبیاء[۲] نشان می‌دهد که فرشتگان علی‌رغم کثرت عبادت و عدم گناه و لغزش، در حالت خوف هستند؛ گویی اینکه عبادات آنها همگی در حکم نافرمانی است. همچنین وی در تفسیر آیه «حَتَّى إِذا فُزِّعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قالُوا ما ذا قالَ رَبُّكُمْ قالُوا الحَقَّ وَ هُوَ العَلِيُّ الكَبِيرُ» (سبأ / ۲۳) می‌گوید هنگام وحی الهی، اهل آسمان‌ها یعنی فرشتگان، صدایی همچون صدای ضربه بر سنگ صاف را می‌شنوند و می‌هراسند. آنها با پایان یافتن وحی به یکدیگر می‌گویند: «خداوندتان چه گفت. آنها پاسخ می‌دهند خداوند حق را فرمود و خداوند بلندمرتبه و بزرگ است.» (سبأ / ۲۳) این عبارت به خوف فرشتگان از خداوند اشاره دارد. (همان) ملاصدرا به روایتی از ابن‌عباس که در ***شعب الایمان*** بیهقی آمده[۳] نیز استناد می‌کند. (همان: ۳۵۳)

البته او در جاهای دیگر نیز به ویژگی‌های فرشتگان اشاره کرده که عدم خوردن و نوشیدن، عدم ازدواج، تسبیح دائمی و عدم خستگی از تسبیح از آن جمله است. (همان: ۱۸۸) عدم ازدواج فرشتگان ناشی از عدم وجود جنسیت در فرشتگان است و به همین دلیل، آنها دارای فرزند و اعقاب نیستند. (همان: ۲۲۵) خلقت از نور (همان: ۲۲۵) و مظهر اسم لطف خداوند بودن از دیگر ویژگی‌های آنهاست. (همان: ۱۶۴)

ج) هدف از اثبات وجود ملائکه

صدرا در طرح مسئله فرشتگان و البته شیاطین، ترکیبی از اهداف نظری و عملی را در نظر داشته است.[۴] این اهداف عبارتند از:

۱. آگاه شدن مردم از ماورای این عالم محسوس که موجودات آن عالم، علت موجودات این عالم محسوس هستند.

۲. این آگاهی، هدفی واسط و به‌منظور توجه دادن انسان به دو مطلب است: کسب علوم و خیرات و نیز اتصال به علت موجودات عالم محسوس.

۳. توجه یافتن انسان به این موارد، خود واسطه هدف دیگری است که می‌توان آن را هدفی عملی تلقی کرد. این هدف دارای دو بعد است که متناظر با دو بعد وجود انسان، یعنی تمایل به خیرات و تمایل به شرور

---

۱. يَخافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ. (نحل / ۵۰)

۲. وَ هُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ. (انبیاء / ۲۸)

۳. برای مشاهده اصل این روایت بنگرید به: بیهقی، ۱۴۲۳: ۱ / ۱۷۰.

۴. برای نمونه به این عبارت توجه کنید:

«الغرض من إثبات الملائکه و الشیاطین أن یتفطن الناس بما وراء هذا العالم و هذه المحسوسات و أسبابها لیتوجهوا إلی اقتناء العلوم و الخیرات و الإتصال بأسبابها و یطیعوا الله و رسله من الملائکة و النبیین و یجتنبوا عن اکتساب الجهل و الرذائل و دواعیها و یعرضوا عن مطاوعة الشیطان و جنوده أجمعین.» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۱۵۷)

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.3.9]

می‌باشد. آن دو بعد عبارتند از: اطاعت از خداوند و رسولان او ـ اعم از فرشتگان و پیامبران ـ و دیگری دوری گزیدن از جهل و کسب رذایل و انگیزه‌های این دو و روی‌گردانی از پیروی شیطان و سپاهیان[۱] او.

توجه به این اهداف روشن می‌سازد که بحث ملاصدرا درباره فرشته و شیطان، یک بحث نظری صرف نیست و نتیجه به‌دست‌آمده نیز از یک نگاهِ فارغ از هر پیش‌فرض غیرمعرفتی حاصل نشده است. او از طرح مسئله فرشتگان، اهدافی عملی و دینی دارد. هدف نهایی او آن است که انسان در سمت‌وسوی غایت وجودی خویش زندگی کند که این زندگی، دینی و به‌دور از اعمال شیطانی و قرین اعمال رحمانی است.

د) دلایل عقلی اثبات وجود ملائکه

ملاصدرا می‌گوید برخی از اهل علم معتقدند اثبات فرشتگان با دلیل عقلی امکان‌پذیر نیست و عده‌ای برآنند که دلائل عقلی فراوانی وجود آنان را اثبات می‌کند. او ذکر تفصیلی این دلائل را به کتاب‌های دیگر ارجاع می‌دهد. (همان: ۳۴۳) او سپس شماری از دلائل را ذکر می‌کند.[۲]

دلیل اول براساس قاعده امکان اشرف ارائه شده است:

۱. فرشته جوهری حی، ناطق و نامیراست.

۲. حی بر سه دسته است:

اول؛ حی غیر ناطق میرا (حیوانات غیر از انسان).

دوم؛ حی ناطق میرا (انسان).

سوم؛ حی ناطق نامیرا (با توجه به مقدمه اول، مقصود فرشتگان است).

۳. دسته اول و دوم، اخس از دسته سوم هستند.

۴. ایجاد خداوند به دسته اول و دوم تعلق گرفته است.

۵. براساس قاعده امکان اشرف، ایجاد خداوند به‌طریق اولی[۱] به دسته سوم تعلق می‌گیرد. (همان)

دلیل دوم نیز بر قاعده امکان اشرف مبتنی است:

۱. فرشته حی ناطق است.

۲. به شهادت فطرت، عالم ملکوت و آسمان‌ها برتر از عالم مُلک و زمین است.

۳. به شهادت فطرت، حیات و نطق و عقل، اشرف از اضداد خود هستند.

۴. در عالم مُلک، حیات و نطق و عقل وجود دارد.

---

۱. ملاصدرا در موارد فراوانی مقصود خود از سپاهیان را شیطان اعلام کرده و بر این نکته پای فشرده است که مهم‌ترین لشکر شیطان در وجود آدمی، قوه وهم است که نجات از آن تنها با مدد الهی حاصل می‌شود. در مقاله «عصمت انبیا از گناه از دیدگاه ملاصدرا» در تحلیل مفهوم عصمت در فلسفه ملاصدرا، جایگاه قوه وهم در تمایل انسان به شرور تبیین شده است. (بنگرید به: اکبری و منصوری، ۱۳۸۹: ۲۰ ـ ۱)

۲. فخررازی نیز در اثبات وجود فرشتگان دلایلی دارد. (بنگرید به: رازی، ۱۴۲۰: ۲ / ۳۸۵)

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.3.9]

۵. امور شریف به‌طریق اولی[۱] در اشرف وجود دارند.

۶ . حیات و نطق و عقل در عالم ملکوت و آسمان‌ها وجود دارند.

۷. ملائکه در آسمان‌ها وجود دارند. (از ۱ و ۶). (همان)

آنچه ملاصدرا به‌عنوان دلیل سوم آورده، تجارب معنوی و مکاشفات اهل ریاضت ازسویی و استجابت دعای اهل حاجات و ضرورات ازسوی‌دیگر است. نمونه‌های عجیبی از هدایت انسان‌ها به دست فرشتگان در معالجات کمیاب و دور از ذهن و ترکیب معجون‌ها و نیز صناعت داروسازی، شاهدی بر صدق این مدعاست. علاوه بر همه اینها، مکاشفات و رؤیاهای صادق، حاکی از وجود فرشتگان است. (همان)

ملاصدرا در تحلیل دلیل سوم، ملاک معرفت‌شناختی جالبی را در عرصه مسئله توجیه معرفت‌شناختی در اختیار ما قرار می‌دهد. این دلیل برای واجدان این‌گونه مشاهدات، دلیل قطعی و برای شنوندگان آنها که چنین تجاربی نداشته‌اند، وجوه اقناعی است. (بنگرید به: همان: ۳۴۴)

هـ) اقسام و انواع فرشتگان

ملاصدرا براساس آیات و روایات واردشده در باب فرشتگان، آنها را به دسته‌ها و طبقاتی تقسیم نموده، برای هر طبقه شواهدی از کتاب خدا و کلام معصومین علیهم‌السلام ارائه می‌کند.[۱] در این تقسیم‌بندی، اگرچه خود وی به ملاک تقدم و تأخری که میان ایشان قائل شده، اشاره نکرده است، ملائکه را به تقدم در رتبه و شرف تقسیم‌بندی می‌کند:[۲]

دسته اول، فرشتگانی که به‌علت برتری خود به‌کلی از هرگونه تعلق به اجسام، حتی تعلق تدبیری مبرا هستند. اینها ملائکه مقرب الهی‌اند که تنها به وجه پروردگار نظر دارند و غرق در جمال و جلال او هستند. ملاصدرا به آیه‌ای از سوره انبیاء[۳] اشاره می‌کند. در همان مرتبه و البته پس از این دسته از فرشتگان، ارواحی قرار دارند که تنها تعلق آنها به اجسام، تعلق تدبیری است و شریف‌ترین این فرشتگان حاملان عرش هستند. استشهاد ملاصدرا در اینجا به آیه‌ای از سوره حاقه[۴] است.

دسته دوم، فرشتگانی هستند که در اطراف عرش خدا در گردش‌اند. او در این مورد به آیه‌ای از سوره زمر[۵] استشهاد می‌کند.

---

۱. برای آگاهی از شواهد ملاصدرا از آیات و روایات در مورد تقسیم‌بندی اول: بنگرید به: صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۱۸۳ و ۳۴۶.

۲. در مورد این تقسیم بنگرید به: همان: ۳۴۸ ـ ۳۴۶.

۳. وَ لَهُ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الأَرْضِ وَ مَنْ عِنْدَهُ لا یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِهِ وَ لا یَسْتَحْسِرُونَ. (انبیاء / ۱۹)

۴. وَ المَلَکُ عَلی أَرْجائِها وَ یَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّکَ فَوْقَهُمْ یَوْمَئِذٍ ثَمانِیَه. (حاقه / ۱۷)

۵. وَ تَرَی الملائِکَةَ حَافِّینَ مِنْ حَوْلِ العَرْشِ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ قُضِیَ بَیْنَهُمْ بِالحَقِّ وَ قیلَ الحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ العالَمینَ. (زمر / ۷۵)

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.3.9]

دسته سوم، فرشتگان بزرگ و والامقام[۱] مثل جبرئیل و میکائیل هستند.[۲] او در اینجا به آیه‌ای از سوره بقره[۳] اشاره می‌کند.

دسته چهارم، فرشتگان بهشت‌اند. صدرا به آیاتی از سوره رعد[۴] استشهاد می‌کند.

دسته پنجم، فرشتگان دوزخ‌اند که همگی «زبانیه» خوانده می‌شوند[۵] و رئیس آنها مالک است. آیاتی از سوره مدثر[۶] و زخرف[۷] دال بر این فرشتگان هستند.

دسته ششم، کارگزاران امر آدمیان هستند که صدرا به آیه‌ای از سوره ق[۸] استشهاد می‌کند.

دسته هفتم، نویسندگان اعمال انسان‌ها هستند. شاهد ملاصدرا بر این دسته، آیات سوره انفطار[۹] است.

دسته هشتم، کارگزاران این عالم می‌باشند. آیات سوره صافات[۱۰] و نازعات[۱۱] به این دسته از فرشتگان اشاره دارند.

و) جمعیت فرشتگان

ملاصدرا در مورد تعداد فرشتگان به روایتی اشاره می‌کند که در آن فراوانی ملائکه بدین شرح آمده است:

---

۱. ملاصدرا شواهدی بر بلندمرتبگی این ملائکه ارجمند دارد. دلیل أول عظمت جبرئیل این است که او صاحب وحی است: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ»؛ (شعراء / ۱۹۴) دوم اینکه در شأن او آمده است: «مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ»؛ (بقره / ۹۸) سوم اینکه خداوند او را بلافاصله پس از خودش نام برده است: «فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (تحریم / ۴) چهارم اینکه او را روح‌القدس خوانده است: «إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ»؛ (مائده / ۱۱۰) او دلائل دیگری هم ارائه داده است که همه از آیات قرآن کریم است.

۲. ملاصدرا در تقسیم‌بندی مشابهی از قول حکما، مرتبه اول و دوم را ملائکه حامل عرش و گردش‌کننده به دور عرش دانسته و پس از آنها دسته‌بندی را به این شکل ادامه داده است: مرتبه سوم، ملائکه کرسی؛ مرتبه چهارم، ملائکه آسمان‌های اول تا هفتم؛ مرتبه پنجم، ملائکه کره آتش؛ مرتبه ششم، مرتبه کره هوا (نسیم)؛ مرتبه هفتم، ملائکه کره زمهریر؛ مرتبه هشتم، ارواح متعلق به آب‌ها؛ مرتبه نهم، ارواح متعلق به کوه‌ها و نهایتاً مرتبه دهم، ارواح تصرف‌کننده در اجسام عالم طبیعت، اعم از جماد و نبات و حیوان. شاید بتوان برخی از این مراتب را با اصنافی که در متن ذکر کردیم و مبتنی بر آیات و روایات است، یکی دانست. (بنگرید به: صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۱۸۳) او در همین کتاب وجوهی بیان می‌کند که با تمسک به آن می‌توان این دو دسته‌بندی را درهم ادغام کرد. (بنگرید به: همان: ۳۵۱)

۳. مَنْ كانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَ مَلائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جبْريلَ وَ ميكالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكافِرين. (بقره / ۹۸)

۴. ... المَلائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بابٍ سَلامٌ عَلَيْكُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّار. (رعد / ۲۴ ـ ۲۳)

۵. با توجه به آیه: سَنَدْعُ الزَّبانِيَةَ. (علق / ۱۸)

۶. علَيْها تِسْعَةَ عَشَرَ و ما جَعَلْنا أَصْحابَ النَّارِ إِلاَّ مَلائِكَه ... . (مدثر / ۳۱ ـ ۳۰)

۷. وَ نادَوْا يا مالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنا رَبُّكَ قالَ إِنَّكُمْ ماكِثُون. (زخرف / ۷۷)

۸. ما يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلاَّ لَدَيْهِ رَقيبٌ عَتيدٌ. (ق / ۱۸)

۹. وَ إِنَّ عَلَيْكُمْ لَحافِظِينَ كراماً كاتِبِينَ يَعْلَمُونَ ما تَفْعَلُون. (انفطار / ۱۲ ـ ۱۰)

۱۰. وَ الصَّافَّاتِ صَفًّا فَالزَّاجِراتِ زَجْراً فَالتَّالِياتِ ذِكْراً. (صافات / ۳ ـ ۱)

۱۱. وَ النَّازِعاتِ غَرْقاً وَ النَّاشِطاتِ نَشْطاً وَ السَّابِحاتِ سَبْحاً فَالسَّابِقاتِ سَبْقاً فَالْمُدَبِّراتِ أَمْراً. (نازعات / ۵ ـ ۱)

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.3.9]

جمعیت آدمیان یک‌دهم جمعیت اجنه است؛ و جمعیت اجنه و آدمیان یک‌دهم جمعیت حیواناتی است که در خشکی می‌زیند؛ جمعیت همه اینان یک‌دهم جمعیت پرندگان است؛ جمعیت همه اینان یک‌دهم جمعیت حیواناتی است که در آب می‌زیند؛ جمعیت همه اینان یک‌دهم جمعیت فرشتگانی است که در زمین موکل امور زمینیان هستند؛ و جمعیت همه اینان یک‌دهم جمعیت فرشتگانی است که اهل آسمان اول‌اند؛ جمعیت همه اینان یک‌دهم جمعیت فرشتگانی است که در آسمان دوم می‌زیند؛ به همین ترتیب تا آسمان هفتم؛ اما همه اینها با همه فراوانی‌شان در برابر هریک از سرادقات آسمانی که تعدادشان به ششصد هزار می‌رسد بسیار اندک‌اند. سرادقاتی که آسمان و زمین و آنچه در آن دو است، در برابر طول و عرض آن بسیار کوچک و ناچیزند. در این سرادقات به‌اندازه جای پایی در میان فرشتگانی که در حال رکوع و سجود و قیام‌اند، خالی نیست. جمعیت همه اینها با هم در برابر ملائکه‌ای که حول عرش در گردش‌اند، به اندازه قطره‌ای در اقیانوس است و جز خداوند کسی از تعداد آنها با خبر نیست. همه اینها به‌همراه ملائکه لوح که پیروان اسرافیل‌اند و فرشتگانی که سربازان جبرئیل‌اند، گوش به فرمان پروردگارند و لحظه‌ای سستی نمی‌کنند، دائماً در حال عبادت پروردگارند و زبان به تسبیح و تعظیم پروردگار می‌گردانند و در این کار از هم پیشی می‌گیرند، لحظه‌ای از عبادت پروردگار سر باز نمی‌زنند، هیچ‌گاه خسته نمی‌شوند و اجناس و اصناف آنها و طول عمرشان و نحوه عبادتشان را جز خداوند کسی نمی‌داند. (۱۳۶۳: ۳۴۵)[۱]

ز) تطبیق فرشتگان با عقول و نفوس فلکی

ملاصدرا در برخی از توضیحات خود درباره ملائکه، برخی از فرشتگان را بر عقول و نفوس فلکی تطبیق می‌کند که در اینجا به پنج مورد اشاره می‌کنیم.

۱. او در ***شرح هدایه اثیریه*** بیان می‌کند که فرشتگان در زبان شرع همان عقول در زبان فلاسفه، انوار قاهره در زبان حکمای اشراق و سرادقات نوری در زبان صوفیان هستند. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۲۲: ۴۱۰)

۲. وی در جلد نهم ***اسفار*** ملائکه مقرب را همان ارباب انواع یا مثل افلاطونی قلمداد می‌کند که واسطه میان جواهر عقلی و هریک از انواع در عالم ماده هستند. (همو، ۱۹۸۱: ۹ / ۱۴۲)

۳. او در جایی، نه با تحلیل ماهوی عقل و فرشته، که در بحث کلامی با روشی حدیثی به دسته‌بندی و توضیح و تفصیل انواع فرشتگان پرداخته، آنها را بر عقل و نفس فلکی تطبیق داده است. (همو، ۱۳۶۳: ۳۴۰ ـ ۳۳۹) او

---

۱. ... این روایت در *رسائل الشجرة الالهیة* (۳ / ۶۸۹) و *تفسیر کبیر فخررازی* (۲ / ۳۸۵) نیز آمده است. ملاصدرا روایت دیگری نیز در شرح کثرت ملائکه آورده است: «في بعض كتب التذكير أنه عليه الصلاة و السلام حين عرج به رأى ملائكة في موضع بمنزلة سوق بعضهم يمشي تجاه بعض فسأل رسول اللّه ﷺ أيهم إلى أين يذهبون. فقال جبريل ﷺ. لا أدري إلا أني أراهم مذ خلقت و لا أرى واحداً منهم قد رأيته قبل ذلك ثم سألوا واحداً منهم و قيل له مذ كم خلقت؟ فقال لا أدري غير أن اللّه تعالى يخلق كوكباً في كل أربعمائة ألف سنة فخلق مثل ذلك الكوكب منذ خلقني أربعمائة ألف مرة، فسبحانه من إله ما أعظم قدرته و ما أجل كماله.» (۱۳۶۳: ۳۴۶) این روایت در *تفسیر کبیر* فخررازی نیز آمده است. (رازی، ۱۴۲۰: ۲ / ۳۸۶)

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.3.9]

فرشتگان را به دو دسته عمده تقسیم می‌کند: دسته‌ای که هیچ‌گونه ارتباطی با عالم ماده ـ چه به‌نحو حلول و چه به‌نحو تدبیر ـ ندارند. این دسته از فرشتگان به مُهَیم[1] و واسطه جود و رحمت خداوند تقسیم می‌شوند.

ملاصدرا بزرگ‌ترین فرشته را در میان فرشتگانی که واسطه جود و رحمت خداوند هستند، روح می‌داند که در کتاب مبین از او به «قلم» نام برده شده و در روایات نیز «عقل» خوانده شده است. چنان‌که فرموده‌اند: «اول ما خلق الله العقل» و «اول ما خلق الله القلم.» (همان: ۳۳۹) از نظر ملاصدرا، این فرشته همان عقل اول است که اولین طبقه از موجودات کروبی می‌باشد. وی آخرین موجود در میان کروبیان را از حیث ترتب وجودی روح‌القدس می‌داند که از نظر او همان جبرئیل است. او در کنار کروبیان، ملائکه‌ای را معرفی می‌کند که به عالم اجسام تعلق دارند. دسته‌ای از این ملائکه به اجسام سماوی یا همان اجسام افلاک تعلق دارند و مدبر و محرک این اجسام هستند. در فلسفه، موجودی که مدبر جسم فلکی است، نفس فلکی می‌باشد. پس شاهد گونه‌ای تطبیق میان فرشتگان و نفوس فلکی در اندیشه صدرا هستیم.

۴. او از عقل اول به ملک مقرب تعبیر کرده، عقول طولی را به‌اعتبار قاهریت و تأثیر آنها در مادون خود ملائکه مقرب می‌نامد. (همو، ۱۳۵۴: ۱۲۴؛ ۱۹۸۱: ۳ / ۳۶۲)

۵. ملاصدرا در کتاب ***الشواهد الربوبیه*** هنگام سخن درباره عقول، عنوان فصل مربوط را «ملائکه عقلی» نهاده است که نشان از مطابقت عقول با دسته‌ای از فرشتگان دارد. (همو، ۱۳۶۰: ۱۴۱ ـ ۱۴۰)

موارد ذکرشده حاکی از تلاش او برای تطابق میان مراتب فرشتگان با عقول و نفوس است که در فلسفه بدان پرداخته شده است.

ح) عصمت فرشتگان

ملاصدرا در این بحث به ادله موافقان و مخالفان عصمت ملائکه اشاره می‌کند. از نظر او، اندیشمندان مسلمان بر عصمت ملائکه اتفاق دارند و تنها عده‌ای از حشویه، منکران عصمت فرشتگان‌اند. (همو، ۱۳۶۳: ۳۵۵) پرداختن به عصمت ملائکه از دیدگاه ملاصدرا به‌گونه‌ای‌که هم ادله موافقان و هم ادله مخالفان و نیز نقد ادله آنان را دربر گیرد، مجالی جداگانه می‌طلبد. به همین علت در این بخش تنها به ادله اثبات عصمت فرشتگان از دیدگاه وی بسنده می‌کنیم. البته عصمت یکی از ویژگی‌های فرشتگان است و شاید بتوان آن را در ذیل عنوان «ویژگی‌های فرشتگان» مطرح ساخت؛ اما به‌دلیل اهمیت و نیز تفصیل مسئله، جداگانه ذکر می‌شود.

صدرا یک دلیل عقلی و چند دلیل نقلی برای اثبات عصمت فرشتگان ارائه می‌کند:

۱. دلیل عقلی برپایه تعریف معصیت اقامه شده است. معصیت چیزی نیست جز نافرمانی قوه سافل نسبت‌به قوه عالی در زمینه برگزیدن اهداف در مقام انجام یک کار؛ به این صورت که قوه عالی، یک هدف و قوه سافل نیز هدف مخالف آن را برای انجام کار برگزیند. بنابراین معصیت فقط در موجوداتی متصور است

---

۱. به‌معنای عاشق و محب. در اصل از ریشه «هیم» به‌معنای عطش شدید است. (بنگرید به: راغب اصفهانی، ۱۴۲۳)

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.3.9]

که وجودشان از قوا و طبیعت‌های فراوان حاصل شده باشد. این در حالی است که فرشتگان، به‌ویژه فرشتگان بلندمرتبه از این امر منزه هستند. (همان: ۳۵۵)

۲. دلایل نقلی ملاصدرا طیفی از آیات قرآن را شامل می‌شود. (بنگرید به: همان: ۳۵۶ ـ ۳۵۵)

ـ بنابر آیه‌ای،[۱] فرشتگان موکل بر دوزخ نسبت‌به آنچه خداوند به آنان فرمان می‌دهد، نافرمانی نمی‌کنند؛ بلکه آنچه را به آنان امر شده است، انجام می‌دهند. اگر ملائکه عذاب چنین ویژگی‌ای داشته باشند، فرشتگان مراتب بالاتر به‌طریق اولی[۱] چنین خواهند بود.

ـ آیه‌ای[۲] بیان می‌کند که فرشتگان نسبت‌به پروردگارشان خوف دارند و آنچه را به آنان امر شده باشد، انجام می‌دهند. این آیه هم امر و هم نهی را شامل می‌شود؛ چون نهی نیز عبارت دیگری از امر به ترک یک کار است.

ـ آیاتی از سوره انبیاء[۳] نیز بیان می‌کند که فرشتگان بندگان اکرام‌شده خداوند هستند که در مقام سخن بر خداوند پیشی نمی‌گیرند و امر خداوند را انجام می‌دهند.

ـ در آیه‌ای[۴] آمده است که فرشتگان از تسبیح باز نمی‌ایستند و این نشان می‌دهد که در هیچ زمانی گناه نمی‌کنند.

همچنین فرشتگان نسبت‌به نافرمانی بشر اظهار ناراحتی کردند[۵] که این خود نشان می‌دهد آنها به گناه حساس هستند، وگرنه طعنه آنان به انسان امر درستی نبوده است.

ط) تجرد فرشتگان

اگر ملاصدرا فرشتگان را با عقول و نفوس فلکی مطابق می‌داند، پس تجرد آنها را نیز پذیرفته است. همان‌گونه که عقول دارای تجرد تام و نفوس فلکی دارای تجرد در مقام ذات و مادیت در مقام فعل هستند (در مقام فعل نیازمند ماده‌اند)، فرشتگان که عبارت دینی همان‌ها هستند نیز دارای دو نوع تجرد خواهند بود؛ اما توجه به متون دینی نشان می‌دهد فرشتگان دارای عروج و نزول هستند و این با تجرد سازگاری ندارد. نمونه‌ای از عروج و نزول فرشتگان را در سوره قدر و سوره معارج می‌خوانیم. حال ملاصدرا چگونه می‌تواند تجرد فرشتگان را با این امر سازگار بداند؟ نزول و عروج ملائکه هنگامی با تجرد آنان ناسازگار است که به‌معنای مادی و مکانی تفسیر شود؛ اما صدرا معنای دیگری برای آن قائل است. وی تنزل را بدایت خلق و حرکت از عدم به وجود می‌داند و عروج را بازگشت به خداوند در قوس صعود تلقی می‌کند. ملاصدرا سرّ شب

---

۱. ... عَلَيْها مَلائِكَةٌ غِلاظٌ شِدادٌ لا يَعْصُونَ اللَّهَ ما أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ ما يُؤْمَرُون. (تحریم / ۶)

۲. يَخافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ يَفْعَلُونَ ما يُؤْمَرُونَ. (نحل / ۵۰)

۳. ... بَلْ عِبادٌ مُكْرَمُونَ * لا يَسْبِقُونَهُ بِالقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ. (انبیاء / ۲۷ ـ ۲۶)

۴ ... فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ هُمْ لا يَسْأَمُونَ. (فصلت / ۳۸)

۵. اشاره به آیه: «... قالُوا أَ تَجْعَلُ فِيها مَنْ يُفْسِدُ فِيها وَ يَسْفِكُ الدِّماءَ ... .» (بقره / ۳۰)

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.3.9]

قدر را هبوط آدمی و حرکت از عدم اولی به وجود و سرِّ روز قیامت را عروج و معاد او و جمیع خلایق از وجود به عدم ثانوی، یعنی همان فنا و نیستی در حضرت ربوبی می‌داند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۶۲۷)

در اینجا مشکل دیگری نیز وجود دارد. اگر فرشتگان مجرد هستند، چگونه دارای تمثل مادی خواهند بود؟ نمونه‌ای از این تمثل‌ها را در داستان حضرت مریم﵄ و بشارت فرزنددار شدن ایشان، (مریم / ۱۷) داستان میهمانان حضرت ابراهیم﵇ و بشارت فرزنددار شدن به همسر ایشان (هود / ۷۳ ـ ۶۹) و داستان فرشتگان مأمور به عذاب قوم حضرت لوط﵇ (هود / ۸۱ ـ ۷۷) مشاهده می‌کنیم. در روایات نیز نمونه‌های بسیاری از تمثل فرشتگان گزارش شده است. برای نمونه در روایات آمده است که حضرت جبرئیل امین به‌صورت دحیه کلبی که شخصی خوش‌سیما بود، بر حضرت رسولﷺ تمثل یافته و حتی برخی اصحاب او را در این هیئت مشاهده کرده‌اند. (بنگرید به: کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۵۸۷) پاسخ ملاصدرا به این مسئله چیست؟

از نظر او، حقیقت فرشته قابل رؤیت نیست. فرشته دارای دو صورت است؛ یکی صورت حقیقی که جز ازطریق انوار نبوت قابل رؤیت نیست. ملاصدرا در همین خصوص بیان می‌کند که حضرت رسولﷺ جبرئیل را به‌صورت حقیقی او فقط دو بار در دنیا مشاهده کرده است و برای صحت این سخن به روایتی استشهاد می‌کند؛ (بنگرید به: صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۲۱۲) اما صورت دوم فرشته، مثال صورت حقیقی اوست که در قوه خیال متمثل می‌شود. توضیح ملاصدرا دراین‌باره دقیق است. او به قلب اشاره می‌کند که حقیقت نفس انسان است و توضیح می‌دهد که این قلب دارای دو وجه است؛ یک وجهِ قلب، رو به عالم ملکوت و یک وجه آن، رو به عالم ملک دارد. هنگامی‌که قلب از وجهه ملکوتی خود با حقیقتی مرتبط می‌شود، مثال آن در وجهه ملکی او جلوه‌گر می‌شود. دلیل این ارتباط در مبانی فلسفی ملاصدرا نهفته است. از نظر وی، وجود، حقیقت واحدی است که هرچه اشتداد یابد، مراتب بالاتر آن، کمالات مراتب پایین‌تر را به‌نحو لفّ خواهد داشت. بنابراین همان‌گونه که عالم ملکوت و عالم ملک در اتصال وحدانی با یکدیگر هستند، وجهه ملکوتی قلب نیز در اتصال با وجهه ملکی آن است و این اتصال از نوع اتصال ظاهر با باطن می‌باشد. بنابراین آنچه در ظاهر متمثل می‌شود، جلوه ملکی فرشته است که در قوه تخیل ظاهر می‌شود و باطن آن ادراک حقیقت فرشته ازطریق جنبه باطنی قلب است. (همان: ۲۱۳)

نتیجه

صدرا مطالب متنوعی درباره فرشتگان، مثل حقیقت فرشته و تعداد، اقسام، دلایل وجود و ویژگی‌های آنها را در آثار خود آورده است. وی در مواردی درصدد بوده است تا فرشته‌شناسی دینی را با مجردشناسی در فلسفه مطابقت دهد. ازهمین‌رو در مواردی فرشتگان با نفوس فلکی و عقول مطابقت داده شده است. این تحقیق نشان داد ملاصدرا در طرح مسئله فرشتگان، اهداف مختلفی را دنبال کرده است که آشنایی با موجودات ماورایی، یکی از مهم‌ترین آنهاست. عصمت و تجرد فرشتگان از دیگر مسائل مورد اهتمام ملاصدرا در فرشته‌شناسی اوست.

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.3.9]

با بازخوانی اندیشه‌های فیلسوفان مسلمان می‌توان زمینه گفتگوی فلسفی و دینی را میان اندیشه اسلامی و دیگر ادیان ابراهیمی فراهم آورد و از این طریق در بالندگی علمی جهان، نقش‌آفرینی بیشتری را برعهده گرفت.

منابع و مآخذ

۱. *قرآن کریم*.

۲. اکبری، رضا و عباسعلی منصوری، ۱۳۸۹، «عصمت انبیا از گناه از دیدگاه ملاصدرا»، ***اندیشه دینی***، ش ۳۷، ص ۲۰ ـ ۱.

۳. اکبری، رضا، و سید هادی رضائیان، ۱۳۹۰، «خواطر رحمانی و خواطر شیطانی از دیدگاه ملاصدرا»، ***مطالعات اسلامی. فلسفه و کلام***، ش ۲ / ۸۶ ، ص ٦٤ ـ ٤٧.

٤. بیهقی، أبوبکر أحمد بن الحسین، ١٤٢٣ ق، ***شعب الإیمان***، حققه وراجع نصوصه وخرج أحادیثه الدکتور عبدالعلی عبدالحمید حامد، أشرف علی تحقیقه وتخریج أحادیثه مختار أحمد الندوی، الریاض و الهند، مکتبة الرشد للنشر والتوزیع مع الدار السلفیة ببومبای، الطبعة الأولی.

۵. خزعلی، مرضیه، ۱۳۸۷، «بررسی ماهیت فرشتگان از دیدگاه ادیان الهی»، ***اندیشه نوین دینی***، ش ۱۲، ص ۱۳۸ ـ ۱۰۷.

٦. رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، ١٤٢٠ ق، ***مفاتیح الغیب***، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة.

۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ١٤٢٣ق، ***المفردات فی غریب القرآن***، مصر، المطبعة المیمنه.

۸. شهرزوری، شمس‌الدین، ۱۳۸۳، ***رسائل الشجرة الالهیة فی علوم الحقایق الربانیة***، تهران، مؤسسه حکمت و فلسفه ایران، چاپ اول.

۹. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ١٤٢٢ ق، ***شرح الهدایة الاثیریة***، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، الطبعة الأولی.

۱۰. ـــــــــ، ۱۳٦۰، ***الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة***، مشهد، المرکز الجامعی للنشر، چاپ دوم.

۱۱. ـــــــــ، ۱۳٦۳، ***مفاتیح الغیب***، تهران، مؤسسه تحقیقات فرهنگی، چاپ اول.

۱۲. ـــــــــ، ۱۳۰۲ ق، ***اکسیر العارفین***، در مجموعه الرسائل التسعة، تهران، بی‌نا.

۱۳. ـــــــــ، ۱۳٥٤، ***المبدأ و المعاد***، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران.

١٤. ـــــــــ، ۱۹۸۱ م، ***الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة***، بیروت، دار احیاء التراث، الطبعة الثالثة.

۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳٦۵، ***الکافی***، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

16. Graham, Billy, 1995, **Angels**, Thomas Nelson Inc, US.
17. Jung, Rabbi Leo, 2003, **Fallen Angels in Jewish, Christian and Mohammedan Literature**, Kessinger Publishing, US.
18. Keck, David, 1998, **Angels and angelology in the Middle Ages**, Oxford University Press, US.
19. Lane, Anthony N. S.(editor), 1996, **The Unseen world: Christian reflections on angels**, demons and the heavenly realm, Paternoster Press, US.

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.3.9]